

# چگونه خلقت آغاز شد؟

اولین انسان چگونه آفریده شد؟

**ماموستا بهروز عزیزی**

إرائه شده در کانال ( نشر العلم الشرعی ) در تلگرام

<https://telegram.me/omarali6>

## بسم الله الرحمن الرحيم

ان الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سيئات اعمالنا من يهدي الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمد عبده ورسوله.

قال الله تعالى: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴾ آل عمران 102.

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴾ النساء : 1 .

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴾ احزاب : 70 و 71 .

امابعد: فان اصدق الحديث كتاب الله وخير الهدي هدي محمد ﷺ وشر الامور محدثاتها وكل محدثه بدعه وكل بدعه ضلاله وكل ضلاله في النار.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته<sup>١</sup>

---

١ - أصل این نوشته ، فایل صوتی است مربوط به جلسه ی تفسیر قرآن ، که در رمضان سال 1436 هـ . ق . در مسجد دخان پاوه ، توسط این حقیر ارائه شده است ، که توسط یک نفر از مسلمانان خیر - خداوند جزای خیرش دهد - تبدیل به فایل نوشتاری شده است. و الفاظ نوشتار بر همان شیوه ای که ایشان نوشته باقی مانده است. الله متعال این عمل ناچیز را از گوینده و تبدیل کننده ی آن به فایل نوشتاری ، پذیرفته و آن را سبب رستگاریان در قیامت گرداند ، إنه جواد کریم. آمین.

خداوند متعال رحمت بی شمارش را نصیبمان کند و ما را مشمول هدایت خویش قرار دهد .  
موضوعی که امروزه در جامعه ی بشری مطرح شده و برای رسیدن به پاسخ آن نظریات  
گوناگونی ارائه شده است ، موضوع آفرینش انسان ویا به معنای کامل تر چگونگی آغاز خلقت  
است ، به همین خاطر قصد دارم به بررسی این دیدگاه ها پرداخته و در آخر نظر قرآن کریم  
و احادیث رسول الله ﷺ را در این باره بیان کنم.

خداوند متعال در سوره ی بقره آیات 28 تا 32 خلقت انسان ویا چگونگی آغاز آفرینش را توضیح  
می دهد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ : ﴿ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ  
ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (28) هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ  
سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (29) وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ  
فِيهَا مَنْ يَفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ  
(30) وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ  
(31) قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (32) ﴾ . البقرة .

این سوره اولین سوره بعد از سوره ی فاتحه است که مقطع خلقت را برایمان توضیح می دهد؛ این  
که انسان چگونه ایجاد شد؟ این دنیا و کاینات آن نیز چگونه ایجاد شدند؟ و بنی آدم بر روی این کره  
ی خاکی چه جایگاهی دارد؟

به درازای تاریخ ، همواره انسان هایی بوده اند که برای یافتن پاسخ این سؤال سعی و تلاش نموده  
و به جستجو پرداخته اند و عده ای به طرح نظریاتی پرداخته و عده ای فرضیه ها و تئوری هایی را  
هم مطرح کردند ، ولی آن چیزی که کاملاً مشخص است این است که مسئله ی خلقت مسئله ای

کاملاً غیبی است یعنی ما نبودیم و خلق شدیم ، ما نبودیم و دنیا آفریده شد ، ما نبودیم و اولین انسان خلق شد، در نتیجه تنها مرجعی که می توان از آن برای رسیدن به پاسخ صحیح سؤال‌الایمان بهره ببریم « وحی الهی » است، بقیه ی مراجع به سمت و سوی نظریات و افکاری رفته اند که به قیاس مسائل ساده و روز مره با مسئله ی خلقت انسان و دنیا پرداخته و گمان کرده اند که خلقت کاینات نیز به همین گونه بوده است؛ از خداوند متعال خواستارم توفیقم دهد تا بتوانم این مطلب را به صورت مختصر برایتان توضیح دهم.

نظریات متعددی در باره ی خلقت انسان و کائنات وجود دارد و امروزه بشریت دامن گیر این نظریات بوده و این خود سبب ارائه ی شبهاتی پیرامون مسائل خلقت و... برای فرزندان امت اسلام شده است.

اولین نظریه ای که ارائه شد نظریه ی « **پیدایش دفعه ای** » یا « **خَلْقُ السَّاعَةِ** » بودن حیات بود ، یعنی موجودات زنده به صورت یکباره بدون هیچ برنامه و تنظیمی و بدون هیچ قدرت و نیرویی ، از محیط غیر زنده نشأت بگیرند. این فرضیه در یونان باستان رواج داشته و « ارسطو » فیلسوف قرن سوم قبل از میلاد طرفدار این نظریه بود ، برخی از دانشمندان از زمان ارسطو تا زمان « ژان باپتیست ون هلمونت » دانشمند فلاندری در قرن 17 به این نظریه اعتقاد داشتند ، ون هلمونت با انجام آزمایشی به گمان خودش به اثبات نظریه ی خلق الساعه پرداخت و از این طریق محبوبیتی را هم به دست آورد ، او برای اثبات این نظریه پیراهن کثیفی را همراه چند دانه ی گندم در مکان مرطوبی قرار داد و پس از چند روز تعدادی موش را در پیرامون آن مشاهده کرد، او نتیجه گرفت موش ها خود بخودی از پیراهن کثیف و دانه های گندم ایجاد شده اند!!!!!!!

در رد این نظریه دانشمندانی تلاش نمودند ، یکی از آنها « فرانچسکو ردی » دانشمند ایتالیایی بود که با انجام آزمایشاتی بر روی گوشت جانوران مختلف و اینکه آیا مگس ها به صورت خود به خودی از گوشت ایجاد می شوند یا نه به نتیجه گیری پرداخت که نوزادان کرمی شکل از ذرات ریزی که مگس ها بر روی گوشت بر جای می گذارند ایجاد می شود نه از خود گوشت.

« لویی پاستور » دانشمند فرانسوی دیگری بود که آزمایشش به رد این نظریه منجر شد که نتیجه ی آزمایشش این بود: « خون خود به خود میکروبی تولید نمی کند ».

توجه شود: یونان باستان از مصدر و منبع وحی دور بوده است ، که این دور بودن از منبع وحی سبب رشد فلاسفه ای در این منطقه شده که با افکار فلسفی و عقل و تصورات خود ، به تحلیل امور عالم غیب و شهادة پرداخته اند ، و آراء و نظراتی اشتباه را طرح نموده اند که باعث گمراهی بسیاری از مردمان در تصورات و جهان بینی شده اند.

فرضیه ی دوم : به طور هم زمان از طرف « پاستور » دانشمند فرانسوی و « ورنادسکی » دانشمند روسی در اواخر قرن 19 ارائه شده و علت اصلی روی آوردن به این دیدگاه رد نظریه ی قبلی بود. این فرضیه به اسم « **ازلی بودن حیات** » پا به عرصه گذاشت و بیان می کرد جهان و حیات ، ازلی است و نقطه ی آغازی وجود ندارد و این جهان مخلوق نیست تا خالقی داشته باشد ، و باید پذیرفت این حیات همیشه وجود داشته است و مخلوقات هم همیشه بوده اند ، در دوره ای زندگی کرده اند و پس از مدتی از بین رفته اند و موجودات دیگری جایگزین آنها شده اند و همواره این اتفاق می افتد و خالقی که ایجاد کننده باشد را حذف کرده و عقیده ی مسلمانان را مبنی بر این که اول و آخر هر چیزی خداست را با حذف اولی برای آفرینش زیر سوال بردند ، آنها بجای دادن

صفت ازلیت به خداوند آنرا به ماده نسبت داده ، لذا یکی از قوانین آنها همان قانون پایستگی ماده و انرژی است که می گوید: (ماده نه به وجود می آید و نه از بین می رود).

اولین کسی که معضل ازلی بودن جهان را حل کرد « امام محمدغزالی » رحمه الله بود که به تمام سؤالات مطرح شده در باره ی مدت ترک یعنی فاصله ی زمانی بین ازل و آغاز پیدایش جهان پاسخ داد ، او گفت جهان حادث است و قبل از آن زمانی وجود نداشته است بدین معنا که زمان و مکان بعد از پیدایش جهان به وجود آمده اند زیرا زمان مرتبط به حرکت است و اگر تصور کنیم که همه چیز در جهان از حرکت بایستد و به حال سکون در آید ، در آن صورت زمان هم متوقف خواهد شد و دیگر زمانی وجود نخواهد داشت.

حقیقت این است که کشف پدیده ی « رادیواکتیو » اولین ضربه را به تئوری ازلیت ماده وارد کرد ، مادامی که خورشید و ستارگان فعال اند و از خود اشعه صادر می کنند پس لابد آغازی دارند زیرا اگر ازلی بودند، بایستی سوختشان میلیارد ها سال پیش تمام می شد.

پس همه ی اینها سبب ارائه ی فرضیه ی مشهور دیگری به نام « انتقال کیهانی » شد که بیان می کند حیات در زمین وجود نداشته بلکه از کرات دیگری آمده است؛ اینکه چگونه این حیات به زمین آمده است دو فرض وجود دارد گروهی اعتقاد دارند که شهاب سنگی به زمین برخورد کرده و همراه خود « میکروارگانیسم هایی » رابه کره ی زمین آورده است و خود این امر ، مبدأ خلقت بوده است. گروه دیگر اعتقاد دارند فضایی به زمین آمده که در قسمت جلوی این فضاییا محفظه ای حاوی میکرو ارگانیسم های حیات دار داشته که با آمدن به زمین آن را داخل اقیانوس رها کرده و این میکرو ارگانیسم ها شروع به رشد کرده و خلقت موجودات از همانها آغاز

شده است ، و این میکرو ارگانیسم طی تغییراتی تبدیل به ماهی شده و سپس ماهی تبدیل به دو زیست ، و دوزیست تبدیل به خزنده ، و خزنده ها به پستانداران و پرنده و...الخ.

والبته اینکه فضاییا چگونه بوده و فضا نورد چه کسی بود و اصلاً از کجا آمده اند و... مشخص نیست. یعنی این فرضیه ، مسأله ی پیدایش حیات را اصلاً جواب نداده بلکه تنها آن را از کره ای به کره ی دیگر حواله می نماید.

نظریه ی انتقال کیهانی توسط دانشمندان و فیزیک دانان دانشگاه ویرجینیا رد داده شد فردی به نام « جیمزتری فایلی » این نظریه را رد کرده و بیان می کند: « نتیجه گرفتم این نظریه که متعلق به دهه ی 60 و 70 میلادی است همگی اشتباه است و در کرات آسمانی دیگر هیچ کس وجود ندارد ».

امروزه هم به دنبال طرح دیدگاه دیگری هستند مبنی بر براین که کهکشان ما حاوی میلیون ها ستاره مانند خورشید است که هر کدام از آنها یک سیاره مانند زمین را دارند که انسان هایی همچون ما هم در آن در حال زندگی اند!!

توجه کنید اینها تنها فرضیه هایی هستند که هیچ پایه و اساس علمی ندارند! حداکثر شاید بتوان گفت این ها نظریه اند!

تعریف فرضیه: فرضی که به عنوان یک توضیح و تفسیر آزمایشی به کار می رود و پایه ی تحقیقات بعدی را فراهم میکند که تأیید یا رد آن بر اساس سازگاری مفاهیم آن و به استناد مدارک تجربی و دانش آزمایش شود. یعنی هر چیزی که نام فرضیه برا او اطلاق شود هنوز اثبات نشده است.

و بنا به تعریف « کرلینجر » نظریه عبارت است از مجموعه ای از سازه ها ، تعاریف و گزاره های بهم مرتبط که از طریق مشخص کردن روابط بین متغیرها ، نگرش منظمی از پدیده ها ارائه می کند با این هدف که آنها را تبیین و پیش بینی نماید.

هم نظریه وهم فرضیه دو آموری اثبات نشده هستند ، ولی متأسفانه جوانان مسلمان به دنبال این فرضیات خالی از علم رفته حتی عده ای بدون هیچ علتی از آن دفاع می کنند، در حالیکه اینها همه دیدگاه انسان های دو محوری است انسان های مادیگرا و ماتریالیست. (در این دیدگاه ماورای ماده یعنی خدا و امور غیبی انکار شده ، وهستی مساوی با ماده فرض شده است).

این گفته ها ، خلاصه ای از کتابی نوشته ی یوسف سلیمان زاده است که به شرح آن پرداختم در این کتاب نظریه های باطل به اندازه ی بضاعت نویسنده شرح داده شده است و علاوه بر آن به شرح و بررسی علمی و دینی سیر تحول در انسان هم می پردازد ، هر چند که می توان از جامعه ی مسلمین به علت عدم تحقیق در این مسائل گله مند بود؛ امت اسلام باید درباره ی این مسائل کمی تأمل کند و در مورد این نظریات و فرضیه های بی اساسی که از طریق اینترنت و ماهواره و رسانه های متعلق به یهود در حال انتشار است و تبدیل به چیزی قطعی و عینی در اذهان مردم شده به تحقیق پردازد. فراموش نکنیم ما مسلمانان طلایه داران اُمّتها هستیم و نباید از مسائل علمی و پژوهشی بی بهره بمانیم که سبب شود عده ای با دلایل پوچ به گمراهی جوانانمان دست ببرند.

اما وضع ما امروز به گونه ای است که انگار نشسته ایم تا آنها همواره برایمان نتیجه گیری کنند و هر روز نظریه و فرضیه ای را ارائه دهند ، و ما هم بدون هیچ دلیل قطعی و منطقی پذیرای این نظریه ها هستیم و با وجود اینکه این نظریه ها توسط خودشان رد شده اما باز مردمان ساده ی ما به طرفداری از آنها می پردازند ، این گمراهی به علت عدم فهم درست از دین است ، اگر ما دین



اسلام را مظهر غیبات و امور صحیح می دانستیم دیگر تا این حد به دنبال عقاید و افکار غربی ها و فلاسفه شان نمی رفتیم و باور داشتیم هر آنچه در قرآن است صحت دارد و قرآن تنها منبع غیر قابل رد برای این مسائل است.

نظریه ی بعدی « نظریه ی تکامل » است که بر خلاف ذهنیت عموم مردم که باور دارند این نظریه اولین بار توسط « داروین » ارائه شده ، ساخته و پرداخته ی ذهن باطل یونانیان باستان است و تقریباً به 2500 سال پیش تعلق دارد و نه تنها داروین بلکه فلاسفه ی اسلامی چون « ابو ریحان بیرونی » ، « ابن سینا » و ... در کتاب هایشان به شرح آن پرداخته اند.

این نظریه به دو صورت ارائه می شود یکی اینکه این جهان به تدریج و به صورت مرحله مرحله از ماده ساخته شده و در آن ذاتی را به عنوان خدا مد نظر نمی گیرند و اعتقاد دارند خدایی وجود ندارد.

در این نظریه بیان می کنند : از قرار گیری مواد اولیه و مورد نیاز حیات از جمله « اسید آمینه و اسیدها ی چرب و ... » پس از طی چند مرحله و فرایند و قرار گیری « فسفولیپیدها » کنار هم و ایجاد محیطی دو لایه ، اولین کره برای تشکیل سلول های زنده ایجاد شد بعدها طی فرایند های دیگری اول « آر ان آ » ، بعد « دی ان آ » تشکیل شده و این سلول وقتی توانایی انتقال صفات از نسلی به نسل دیگر را پیدا کرد ... به عنوان یک سلول زنده حیات را آغاز کرد ، با شروع حیات جلبک ها ایجاد شدند بعد ماهی هایی با ویژگی های متفاوت با ماهی های امروزی شکل گرفت ، این ماهی ها به دوزیستان تبدیل شده ، دوزیست ها از آب بیرون آمدند و خزندگان ساخته شدند و خزنده ها هم تبدیل به پرنده و پستاندار شده و ... ، و سر آخر نیز نسل تکامل یافته ی میمون ها یعنی انسان پا به این کره نهاد!!

حالت دوم مبانی پایه ایش بر همین اساس است اما تنها خدایی را هم برای این نظریه در نظر می گیرد.

برای رد این نظریه به چند موضوع باید اشاره شود ، اینکه پایه و اساس این نظریه بر اساس علم حفاری بوده که علم حفاری همواره ناقص است ، و دوم این که حلقه های ناقص میان طبقات مختلف ، وجود ندارد ، سومین دلیلی هم که برای صحت این نظریه به کار می برند مبنی بر تشابه جنین حیوانات است که بنیانگذار شکل های مشابه جنین حیوانات یعنی « هگل » دانشمند آلمانی این میزان تشابه را تنها هشت درصد!!!! بیان می کند.

این نظریه ها می آیند بعد از وقوع واقعه به تفسیر چگونگی این واقعه می پردازند و به حذف منبع بزرگ هستی یعنی خداوند متعال دست می زنند.

این نظریه - حالت دوم نظریه تکامل - متعلق به کسانی است که دینداران یهودی و مسیحی خوانده می شوند یا فلاسفه ی مسلمان ، اما باید توجه داشت « داروین » اولین کسی نبود که به ارائه ی نظریه ی تکامل پرداخت ، بلکه شخصی از فلاسفه ی یونان باستان به نام « امپی دو کلس » در سال 495 قبل از میلاد ، به طرح این نظریه پرداخت و می توان گفت وی پدر داروینیسیم است ، بعد از او فردی به نام « پلوتونی پلوتینوسی » در سال 203 قبل از میلاد دوباره این نظریه را ارائه داد . پس داروین چندان انسان عاقلی هم نبود که خودش برای اولین بار این نظریه را مطرح کند بلکه قبل از او هم این افسانه ی تکامل وجود داشته است ، در میان مسلمانان نیز پس از ورود فلسفه به کتب مسلمین ، فردی به نام « ابراهیم نظام » که معلم یکی از خلفای عباسی بود به طرح این نظریه پرداخت ، بعدها « ابوریحان بیرونی » هم آن را بیان کرد « ابن مسکویه » هم از افرادی بود که از یونان این نظریه را گرفته و به طرح آن پرداخته است ، « ابن سینا » هم می

گوید: « با تشکیل مرجان ها مراتب تشکیل جهادات پایان می پذیرد و بعد از آن ، ماده استعداد بالقوه ای بالاتر از نفس کل پیدا می کند که به آن « نفس نباتی » می گویند ، با تشکیل درخت نخل ، مراحل تشکیل گیاهان پایان می پذیرد و به دنبال آن ، نفس حیوانی بر ترکیبات نازل می شود ، حلزون دارای پایین ترین مراتب نسل حیوانی و میمون دارای بالاترین آن است ، این سلسله مراتب با کمال بیشتر به انسان می رسد». حتی مولوی رومی هم در مثنوی خود تحت تأثیر این افکار فلسفی قرار گرفته و اشعاری در این باره سروده است.<sup>۲</sup>

داروین هم که انسانی طبیعت گرا بود ، به طرح این نظریه پرداخت و جامعه ای که در دست یهود بود هم به گسترش این نظریه کمک نموده و انسان را به سمت پستی سوق دادند. شیطان دشمن آشکار انسان است و قسم یاد کرده است که فرزندان آدم را از راه راست منحرف خواهد کرد.

اما برگردیم به قرآن کریم که خداوند در آن چگونگی آغاز خلقت را توضیح می دهد، خداوند می فرماید: ﴿ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ﴾. خداوند هر آنچه را که بر روی زمین است همگی را خلق کرده .

یعنی هر آنچه که بر روی زمین است با اراده ی خداوند خلق شده و در این میان این آدمی دارای مکانات و جایگاه ویژه ای است، خداوند در قرآن بارها و بارها میگوید « السموات والارض » جداکردن آسمان با تمامی کراتش از زمین یعنی قرار دادن جایگاه ویژه ای برای زمین در کائنات ، و به دلیل همین جایگاه و ویژگی متمایز، خداوند اراده کرده است موجودی متمایز و با کرامت را خلیفه ی این سرزمین کند و تمامی مخلوقات را مسخر او گرداند.

---

۲ - « از جمادی مردم و نامی شدم  
مردم از حیوانی و آدم شدم  
و زنها مردم به حیوان بر زدم  
پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم».

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ

خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾. الإسراء : 70.

این تفضیل تفضیلی خلقی و کونی است که از طریق آن انسان بر تمامی موجودات فضل و برتری داده شده است ، نتیجه ی این فضیلت یافتن انسان بود که شیطان از فضیلت افتاد ، پس شیطان هیچ گاه بیکار نخواهد نشست چون خوب می داند دلیل جهنمی شدنش آدم بود ، پس برای گمراهی آدم و ذریتش همواره در تکاپو است ، تا جایی که از طریق همین نظریه ها و فرضیه های بی اساس به انسان می گوید : ای بنی آدم تو هیچ کرامت و برتری ذاتی نداری و هیچ فرقی با دیگر حیوانات نداری تو هم یک حیوانی چون سایر حیوانات!!!! تازه زمین هم هیچ ویژگی خاصی برای برتری از سایر کرات ندارد بلکه دقیقاً مانند سایر آنهاست ، این زمین در مقایسه با کاینات هیچ است و در این کاینات میلیاردها میلیارد دیگر مانند این زمین وجود دارد و میلیاردها مخلوقات که انسان در مقابل این ها هیچ است ، پس ای آدم تو هیچی ! و این زمین هم که تو در آن زندگی میکنی هیچ است... . و تمام گفته هایی که هست مبنی بر این که تو اشرف مخلوقات و خلیفه ی زمینی ، و زمینی که در آن زندگی می کنی بر دیگر کاینات برتری دارد ، همگی افسانه ها و دروغ های بی تو خالی است و تو فریب خورده ای !!

این قبیل اقوال که در نظریات ملحدین معاصر به کرات دیده میشود ، همه ساخته و پرداخته ی شیطان است ، دانشمندان ملحد غربی هم امروزه به مناظره با دانشمندان مسلمان می پردازند و میگویند علم جدید کشف کرده آسمان بسیار بزرگ تر از چیزیست که فکر می کردیم ستارگان هم همینطور سرعتشان هم بسیار زیاد تر است پس این کره ی خاکی هیچ است انسان هم هیچ است اینها همه خرافاتی است که ساخته شده ، این که انسان خلیفه و جانشین است و... ، و در

آخر هم به رد دین و ادیان مختلف می پردازند. چه چیزی بهتر از این حيله؟؟؟ ابلیس دیگر به جز این ، خواهان چه چیزی می تواند باشد؟

تنها راه رهایی از اینها اثبات به جهانیان و آگاهی هرچه بیشتر مسلمانان در باره ی مسئله خلقت انسان است این که آدمی در این دنیا اشرف مخلوقات است و لیاقت داشتن این جایگاه را هم دارد و کره ی زمین هم نسبت به کل کاینات دارای جایگاه ویژه ای است و خداوند تبارک و تعالی خالق آسمان و زمین؛ زمین را در کنار آسمان ها آورده است این نشان از چه چیزی دارد؟؟؟

باید هشدار داد این نظریات – که جایگاهی برای زمین و انسان قائل نیستند – همه شیطانی است و هیچ کدام پایه و اساس علمی ای ندارند.

در بقیه ی موارد هم مثل رفتن انسان به کره ی ماه ای مسلمان آگاه باش کسی به کره ی ماه نرفته و همه ی اینها دروغ است نزدیک به 50 سال است به فریب مردم پرداخته اند و به علت در دست داشتن رسانه ها کسی به تکذیب آن پرداخته است و این هم دسیسه ی دیگری از سوی آمریکایی ها بود دسیسه ای که میتوان آن را بزرگ ترین دروغ قرن نامید.

فقط این نیست برای تایید نظریه ی داروین به ساخت اسکلتی از جنس انسان پرداختند و قریب به 40 سال از طریق آن مردم را فریب دادند در حالی که وجود حلقه ی حد واسط بین انسان و میمون هم دروغ محض بود.

شاید شماها باخواندن اینها احساس کنید چیزهای عجیب و غریبی هستند و دروغ به نظر برسند ولی من برای رسیدن به اینها کلی تحقیق کرده ام ، ولی میبینم مردم ما بیشتر به کفار اعتماد دارند تا مسلمانان ، شاید اگر اینها را از زبان یک غربی می شنیدید بلافاصله پذیرشش می کردید در حالی

خداوند می فرماید شهادت کفار قابل قبول نیست ، نظریات کافرانی که پشتیبان آن یهود باشد که دیگر جای مجادله ندارد ، یهودی که هدف مشخص و مقصد معینی دارد و برای رسیدن به اهدافش مکاتبی همچون پلورالیسم<sup>۳</sup> ، ماتریالیسم<sup>۴</sup> ، مارکسیسم<sup>۵</sup> ، داروینیسم و... ساخته او پرداخته اند ، که تمامی این مکاتب جهت از راه به در کردن انسان ها و فراموش کردن هدف خلقتشان ترویج و نشر داده میشوند. آخر شما چه میدانید اینها چه در سر دارند؟؟؟

کتابی با نام « احجار علی رقعہ شطرنج » یا سنگ ها و مهره هایی بر صفحه ی شطرنج ، نوشته شده است که در آن کشیشی مسیحی و آمریکایی به نام « ولیم غای کار » نویسنده ی آن می گوید : از سال 1910 تا 1950 فکرم به اینکه چرا دنیا هیچگاه در حال سکون و صلح نیست و چرا این همه جنگ در حال رخ دان است؟ مشغول بود ، و میگوید بعد از این همه سال ، جواب را یافتم ، که یهود!! تنها یهود در پشت این همه ماجراها قرار دارد. و توضیح میدهد با مدارک و شواهد که در دهه ی 1770 میلادی چندین یهودی تشکیل تشکلی داده اند به نام تشکل « نورناین » که بزرگ و رهبرشان « لوسیفر »<sup>۶</sup> نام دارد. این تشکل برای سلطه بر دنیا ، به جذب تمام بزرگان عالم پرداخت کاری که تا امروز ادامه دارد و این همان انجمن « فراماسونری » است.

---

۳ - (کثرت انگاری؛ به این معنا که در یک عرصه ی فکری و مذهبی عقاید و روش های گوناگون مورد قبول است).

۴ - (ماده گرایی؛ دیدگاهی که باور دارد همه چیز از ماده و انرژی است و هرآنچه در دنیا وجود دارد حاصل بر هم کنش مادی است).

۵ - (مبنی بر واژگونی نظام سرمایه داری از طریق انقلاب کارگران و لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و لغو کارمزدی و ایجاد جامعه ای بی طبقه با مردمی آزاد و برابر و در نتیجه پایان از خود بیگانگی انسان).

۶ - همان ابلیس است. (در زبان لاتین به معنای آورنده ی نور است اما نام قبل از سقوط شیطانی است که بنابر متون ادیان ابراهیمی باعث سقوط آدم شد).

وما هم امروزه هر چه آنان می گویند را باور می کنیم و بلافاصله می گوییم سمعنا و اطعنا!  
وحاضریم قسم بخوریم که راست می گویند درحالی که من قسم می خورم که خود غربی ها هم  
بسیاری از این مسائل را انکار کرده و باور ندارند. مثلاً موضوع صعود به ماه ، فیلم اصلی آن  
پخش شده در آن پرچم کشور آمریکا در حال تکان خوردن است!!! مگر در کره ی ماه خلاء  
نیست؟ پس این طوفان و این باد از کجا آمده است؟ در مورد تصویری که در آن حاوی سایه است  
چی؟ مگر منبع نور یکی نیست؟ پس چطور ممکن است در فیلم پخش شده از کره ی ماه - به  
ادعای آنها - اطراف فضاورد چندین سایه با جهات متعدد ایجاد شود ، اگر در آن پروژکتورها ی  
مختلف را در اطراف به کار نبرده باشند و منبع نورهایش هم مختلف نباشد؟ و نیز آیا نباید سایه ها  
ی ایجاد شده باهم موازی باشند؟ در تصاویر پخش شده چی؟ آیا موازی اند؟... حتی پشت صحنه  
ی این فیلم هم لو رفت با افتادن پرژکتور به سمت فرد به اصطلاح فضاورد چه اتفاقی رخ  
داد؟؟ حضور نزدیک به بیست نفر در صحنه!!! یعنی این همه آدم به کره ی ماه رفتند!! آن هم بدون  
لباس فضاوردی؟؟ باشه اگر هم راست گفتن چرا پس از این 50 سال دوباره نرفتند؟؟ علم که  
بیشتر پیشرفت کرده الان که رفتن باید راحت تر شده باشد!!... این بحث خیلی طولانی است.

بدانید من نه متحجرم و نه بدون تحقیق و علم حرف می زنم بلکه منظورم از بیان اینها اشاره به  
خواسته و مقصد شیطان در وراء این موضوعات است ، یعنی نفی جایگاه و مکانت ویژه ی  
انسان در سرزمین و میان مخلوقات ، که به مثابه ی تلافی نمودنی است از جانب ابلیس . فیلمی هم  
اخیرا ساخته شده است که در آن بزرگ ترین شیطان پرستان عالم سخن می گوید ، در آن فیلم آن  
شخص شیطان پرست بیان می کند که شیطان نزد من آمد و گفت : من خودم نظریه ی تکامل را  
به داروین القا کرده ام تا انسان را حیوان به شمار آورد تا بشریت را از مکانت و بندگی خداوند

متعال به درجه ی حیوانیت و پستی و برهنگی برساند . همان گونه که در آغاز خلقت ، باعث برهنگی سیدنا آدم و حوا شد.

نهایتاً می توان گفت اینها نظریاتی بودند که جز خلفیات و پشتوانه های عقیدتی بانیان آنها، هیچ دلیلی علمی ای نداشتند ، حتی ساختن فسیلی به عنوان حلقه ی حد واسط بین میمون و انسان هم یکی دیگر از این فریب ها بود در حالی که ادعا می کردند این دیگر میمون نیست و هنوز هم انسان نشده است. برای اثبات دروغ بودن این مطلب هم باز به سراغ دانشمندان غربی می روم و باز با تاسف بیان می کنم این سخن یک مسلمان نیست ، آقای « فرید هویلی » از دانشگاه کمبریج پس از استعفا از شغلش به نگارش کتاب های بیشماری در این موضوعات پرداخت و بیان کرد که تمامی سخنان گفته شده در این باب کذب است و این فسیل ساختگی است.

اما متأسفانه امروزه هر فردی که از غرب بیاید و نظریه ای که هیچ پایه و اساس علمی ای ندارد را مطرح نماید ، مردم غرب زده ی ما بلافاصله به دنبال آن افتاده و به بیان و شرح و اثباتش می پردازند ، و گاهی مسلمانی هم به دنبال این فرضیات اثبات نشده رفته و به تطابق این نظریات با قرآن می پردازد و نعوذبالله بیان می کند که آدم از میمون ساخته شده است و بیان می کند اولین موجوداتی که بر روی کره ی زمین بودند اسمشان « بشر » بود با فلان شکل و شمایل و با فلان نوع از سر و گردن که برخلاف انسان عاقل بودند اما شبیه انسان ها بودند و نعوذبالله خداوند آمد و از این بشرها ، آدم و حوا را خلق کرد و بنابر این امور غلط به تفسیر آیات قرآن می پردازند.

امروزه می بینیم تمامی بحث ها و نظریات درباره ی چگونگی ساختن اجزای زمین و کائنات ، همگی براساس قواعد مادی برپاست . مثلاً نفت چگونه ساخته شده است؟؟ بیان می کنند اجساد موجودات در زیر خاک دفن شده تبدیل به فسیل شدند ، بعدها تحت تأثیر فشار و دمای



زیاد این فسیل ها پس از طی مراحل و تغییراتی تبدیل به نفت شدند. پس در این میان خدا چی؟...، ولی خداوند متعال می فرماید این گونه نیست!

در مورد کره ی ماه چطور ساخته شده؟ میگویند: یک ستاره آمد و به کره ی زمین برخورد کرد و از آن طریق و با جدا شدن تیکه ای از زمین، ماه ایجاد شد! ما هم بلافاصله می گوئیم راست می گویند!! آخر چرا همه چیز را بدون استناد منطقی و علمی اثبات شده می پذیریم؟؟

اما خداوند در مورد آفرینش زمین چه می فرماید؟ ﴿ قُلْ أُنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ. فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴾. فصلت: 9-12 .

بگو: آیا به آن کسی که زمین را در دو روز آفریده است ایمان ندارید، و برای او همگونها و انبازهایی قرار می دهید؟ او آفریدگار جهانیان هم می باشد. او در زمین بر فراز آن کوههایی استواری قرار داد، و خیرات و برکات زیادی در آن آفرید، و مواد غذایی زمین را به اندازه ی لازم مقدر و مشخص کرد. اینها همه روی هم در چهار روز کامل به پایان آمد، بدان گونه که نیازمندان و روزی روزی خواهان را برآورده کند. سپس اراده ی آفرینش آسمان کرد، در حالی که دود بود. به آسمان و زمین فرمود: چه بخواهید و چه نخواهید پدید آئید. گفتند: فرمانبردارانه پدید آمدیم. آن گاه آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز به انجام رساند، و در هر آسمانی فرمان لازمه اش را صادر فرمود. آسمان نزدیک را با چراغهای بزرگی بیاراستیم و محفوظ داشتیم. این برنامه ریزی خداوند بسیار توانا و بس آگاه است.

سبحان الله! خداوند می فرماید وقتی زمین را ساختیم کوهها را بر روی آن قرار دادیم. در مسند امام احمد بن حنبل، روایتی وارد است که خداوند وقتی زمین را ساخت به لرزش افتاد و به وسیله ی کوهها، زمین محکم گردانیده شد. در قرآن کریم هم از لفظ «اوتاد» استفاده می کند یعنی کوهها مانند میخ اند. فرشتگان از خداوند می پرسند خداوندا آیا از کوه محکم ترهم داریم؟ خداوند می فرماید بله از کوه محکم تر است گفتند از آن چی؟ گفت بله از آن محکم تر است گفتن از آن چی؟ فرمود بله آب آتش را خاموش می کند. گفتند از آب چی؟ گفت مؤمنی که صدقه ای را در راه خدا می دهد به نحوی که دست چپش از دست راستش که صدقه میدهد باخبر نشود. این از همه محکم تر است!<sup>۷</sup> اگر می گوید هم چنین مؤمنی وجود ندارد، میگویم: نزد بلال حبشی و خباب برو! اینها از آتش و سنگ و... محکم تر بودند!!

خداوند متعال می فرماید کوهها را بر روی زمین قرار دادیم و هر آنچه را که برای زیستن لازم بود از گاز و نفت و درخت و... همه چیز را مهیا کردیم و زمین برکت یافت. میگویند جمعیت زیاد شده و منابع نفتی پایان پذیرفته؟؟ میگویم این دروغ است، در حالی که هر روز میبینیم که منبع نفتی ای پیدا شده که بزرگ تر از منابع قبلی است.

پس خداوند زمین را آفرید و هر آنچه را که برای زندگی نیاز داشتیم بر روی آن قرار داد، و به انسان فرمود: بفرما تو اینک خلیفه ی این سرزمینی!

---

۷ - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَرْضَ جَعَلَتْ تَمِيدٌ فَخَلَقَ الْجِبَالَ فَأَلْقَاهَا عَلَيْهَا فَاسْتَقَرَّتْ فَتَعَجَّبَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ خَلْقِ الْجِبَالِ فَقَالَتْ يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْجِبَالِ قَالَ نَعَمْ الْحَدِيدُ قَالَتْ يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْحَدِيدِ قَالَ نَعَمْ النَّارُ قَالَتْ يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمْ الْمَاءُ قَالَتْ يَا رَبِّ فَهَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ قَالَ نَعَمْ الرِّيحُ قَالَتْ يَا رَبِّ فَهَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الرِّيحِ قَالَ نَعَمْ إِنَّ آدَمَ يَتَصَدَّقُ بِيَمِينِهِ يُخْفِيهَا مِنْ شِمَالِهِ. (مسند أحمد: 11805).

پس آیا به دنباله رو نظریات بی پایه و اساس داروین میگردی یا دنباله رو قرآن این معجزه ی بزرگ؟

اصلاً ببینیم قرآن درباره ی خلقت این خلیفه چه می فرماید؟

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾.

زمانی که پروردگارت به فرشتگان گفت : من در زمین جانشینی بیافرینم گفتند : آیا در زمین کسی را به وجود می آوری که فساد می کند و تباهی راه می اندازد و خونها خواهد ریخت ، و حال آن که ما به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم ؟ گفت : من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید .

بسیاری از افراد ابتدا در مغزهایشان عقاید باطلی قرار می گیرد و با آن دیده باطل به سمت قرآن آمده و به تفسیر می پردازند و با رسیدن به این آیه می گویند: یافتیم ! این آیه نشان می دهد قبل از آدم موجوداتی بودند به نام « بشر » که خونریزی می کردند و ملائک با قیاس بر آنها در باره وجود انسان بر زمین هم سخن گفتند. حال سوالم این است این قول را چه کسی می گوید؟.. این را اصلاً از کجا آورده اید؟

این آیه چندین تفسیر دارد یکی از آنها این است که قبل از آدم جنیان بر روی کره ی زمین بودند و فساد می کردند.

و یا فرشتگان می دانستند خلیفه یعنی کسی که امر به عدل می کند و امر به عدل زمانی انجام می پذیرد که فساد و ظلمی باشد.

و یا اینکه خداوند متعال خودش به ملائکه فرموده که موجودی خلق می کنم که به عبادت من بر روی کره ی زمین می پردازد ولی با این وجود عده ای از آنها فساد هم می کنند که این تفسیر صحابه و تابعین است ، تفسیر قتاده و ابن عباس و ابن مسعود و... که می گویند الله تعالی خودش به ملائک در باره ی انسان فرموده است و از قبل به آنها آگاهی داده است.

ملائک تعجب می کنند و می گویند خداوندا اگر برای عبادت خلقشان می کنی ما که تو را تسبیح می کنیم و در عین حال گناهی را هم مرتکب نمی شویم پس بگذار تنها ما باشیم و خداوند در جوابشان می فرماید من چیزی می دانم که شما نمی دانید .

و حال می گویم این کجایش اثبات کننده ی عقیده ی باطل داروینیسیم است؟

در مورد کلمه ی « بشر » هم در قرآن به معنای « آدم یا انسان » آمده نه موجودی دیگر. کسانی که به زبان عربی آگاهند می دانند در زبان عربی به یک شیء واحد چندین اسم داده می شود مثلاً برای شمشیر قریب به 500 اسم وجود دارد و برای شیر نزدیک به 100 اسم که هر کدام از این اسم ها صفتی از صفات مسامیش را بارز میگرداند. « بشر » هم نام دیگری برای همین انسان است که درباره ی آن امام راغب اصفهانی می فرماید: « بشر یا بشره یعنی ظاهر اصلی پوست خارجی و « اَدیم » هم به معنای باطن پوست است و بدین خاطر به انسان بشر می گویند که ظاهرش به طور کامل از پشم و مو پوشیده نشده است ، و اینکه چرا به او آدم می گویند می گوئیم این یا از « اَدیم » گرفته شده که به معنای پوست است و یا از « اُدمه » گرفته شده است که به معنای گندمگون بودن است ، که در آن مثلاً رنگ حضرتن آدم علیه السلام گندمگون یا همان سبزه بوده است . ولی تفسیر صحیح این است که چون آدم علیه السلام از خاک سرزمین است ، اسمش از « اَدیم » گرفته شده و نام او را آدم گذاشته اند.

اما اینکه چگونه خداوند متعال حضرت آدم را آفرید؟

امروزه تمامی کتبی که در این باره نوشته اند الا کسانی که مورد رحمت خداوند قرار گرفته باشند همگی به باطل رفته اند ، والعیاذ بالله اعتقاد دارند که انسان های اولیه غارنشین های وحشی صفتی بوده اند که گوشت نپخته خورده و از طریق اشارات با همدیگر حرف زده اند، و در واقع توانایی حرف زدن نداشته و فاقد لباس و ابزار آلات بوده اند. این تصورات صد درصد غلط است این همان تحلیل مادی از تاریخ است . اگر انسان های اولیه از همان ابتدا گوشت را به خامی می خوردند که دیگر باید انگل ها نسلی برایشان جای نمی گذاشتند تا مراحل دیگری که مادیگرایان برای انسان توصیف می کنند طی شود!! ببینید این تهاجم فرهنگی چه بلایی به سرمان آورده است .

خداوند جل جلاله ، بدیع السماوات و الارض است، یعنی کسی که از هیچ نمونه ی از پیش ساخته شده ای به ابداع و آفرینش آسمان ها و زمین پرداخته است تا انسان خلیفه ی این سرزمین شود.

خلیفه دو معنا دارد یکی یعنی حکم فرمانروایی و توانایی استفاده از تمام چیزهایی را که بر روی کره ی زمین است به این آدمی داده است یعنی انسان به عنوان خلیفه ی خداوند به سیر و سلوک و تصرف در کره ی زمین می پردازد و خداوند متعال -پادشاه دائم - هم خودش موجود است و بر همه چیز این آدمی ناظر است . خلیفه ی دوم به معنای مرگ یک انسان و جانشین شدن دیگری به جای او که این مختص این کره ی خاکی است.

اما سوال این جاست اولین انسان چگونه آفریده شد؟

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ﴾ ای مردم ! اگر درباره‌ی رستاخیز تردید دارید ما شما را از خاک می‌آفرینیم . ( حج : 5 ) .

و در جایی دیگر می‌فرماید :

﴿ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ﴾ الله آن کسی است که هر چه را آفرید ، نیکو آفرید ، و آفرینش انسان را از گل آغازید .

یعنی پس از آفرینش همه چیز ، انسان را از خاک آفرید و خاک را تبدیل به گل کرد !

﴿ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمَ أَشَدَّ خَلْقًا أَمْ مَن خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّازِبٍ ﴾ از ایشان پرس و جو کن که آیا آفرینش ایشان سخت‌تر و دشوارتر است یا آفرینش چیزهایی که آفریده‌ایم ؟ ما که ایشان را از گل چسبنده‌ی ناچیزی آفریده‌ایم .

﴿ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴾ خدا انسان را از گل خشکیده‌ای همچون سفال آفریده است . ( الرحمن )

انسان در آغاز آفرینش خاک بوده ( نگا : حج / 5 ) سپس با آب آمیخته شده است و به صورت گل در آمده است ( نگا : انعام / 2 ) و بعد به صورت گل بدبو یا لجن تغییر شکل داده ( نگا : حجر / 28 ) سپس حالت چسپندگی پیدا کرده است ( نگا : صافات / 11 ) و بعد گل خشکیده و سفال گونه‌ای شده است که این آیه سوره الرحمن ، بدان اشاره دارد .

در واقع صلصال یعنی : گل خشکیده‌ای که با زدن تلنگری به آن صدا می‌دهد . ( نگا : حجر / 26 و 27 و 33 ) .

و در ادامه ی این آیات است که می فرماید: ﴿ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ﴾ .

و در این هنگام بود که خداوند از روحش در او دمید منظور از روح او ، روح خداوند نیست بلکه منظور روح مخلوقی است که متعلق به انسان است و خداوند به آن قدرت و منزلت داده است .  
و توجه شود وقتی چیزی اضافه به نام خداوند می شود ، مانند روح الله ، بیت الله ، ناقه الله ، به معنای این است که این روح و خانه و ناقه مخلوق خداوند هستند و علاوه بر این ، دارای شرف و بزرگی خاصی هم هستند .

﴿ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴾ هر گاه خدا چیزی را بخواهد که بشود ، کار او تنها این است که خطاب بدان بگوید : بشو! و آن هم می شود .

یکی دیگر از دلایل شرافت انسان این است که خداوند آن را با دستان خودش خلق کرده است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ بِيَدِهِ » . ( دلائل النبوة : 603 ) .

توجه شود این روحی که در کالبد انسان نفخ شده ، تنها متعلق به انسان است و به حیوانات تعلق نمیگیرد .

﴿ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴾ و خداوند به ملائک امر کرد که به آدم سجده کنید همگی جز شیطان پذیرفتند و او دچار خشم الهی شد .

حدیث صحیحی از پیامبر ﷺ بیان می کند که خداوند اول نفس آدم را آفرید و سپس روح انسان را از طریق بینی اش به کالبد او دمید والله اعلم . « لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَنَفَخَ فِيهِ الرُّوحَ عَطَسَ فَقَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ فَحَمَدَ اللَّهُ بِإِذْنِهِ فَقَالَ لَهُ رَبُّهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ يَا آدَمُ اذْهَبْ إِلَى أَوْلِيَّتِكَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى مَلَأٍ مِنْهُمْ جُلُوسٍ

**فَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ قَالُوا وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى رَبِّهِ فَقَالَ إِنَّ هَذِهِ تَحِيَّتُكَ وَتَحِيَّةُ بَنِيكَ وَبَنِيهِمْ». ( صحیح الجامع : 5209 ) .**

در اینجا بیان می شود هنگامی که آدم خلق شد و وحش در او دمیده شد ، آدم عطسه کرد و بلافاصله گفت الحمدلله و پروردگارش در جواب به او گفت یرحمک الله سپس خداوند به او گفت به سوی آن فرشتگان برو و به آنها سلام کن ، برخلاف دیدگاه مادی گرایانه ، آدم پروردگاری دارد که او را تربیت می کند و به او نشان می دهد که چگونه رفتار نماید و حتی چگونه از گناهی که کرده استغفار نماید زمانی که می فرماید:

﴿ **فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ** ﴾ . سپس آدم از پروردگار خود کلماتی را دریافت داشت و خداوند توبه‌ی او را پذیرفت . خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است . خداوند پس از گناهی که آدم مرتکب شد به او گفت که اینگونه بگوید :

﴿ **رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ** ﴾

حتی در ادامه ی سخنانش با ملائک و وقتی به آنان گفت السلام علیکم ملائک در جوابش گفتند وعلیک السلام و رحمه الله خداوند در اینجا درس دیگری به آدم داد و خطاب به او گفت این سلام بین تو و بین فرزندان تو است ای آدم .

اما الان به چگونگی خلقت آدم از دید اسلام می پردازیم در صحیح بخاری روایت شده است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: « **خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَطُولُهُ سِتُونَ ذِرَاعًا** » .

خداوند آدم را خلق کرد در حالی که طولش شصت ذراع ، و عرض بدنش هفت ذراع بود ، هر ذراع نیم متر است یعنی قد حضرت آدم سی متر ، و عرض بدنش سه و نیم متر بود ، و روایت



است هر کسی که داخل بهشت میشود ، به همان هیکل و صورت آدم علیه السلام وارد بهشت خواهد شد<sup>۸</sup>، و ما می دانیم که پیامبر همان کسی است که خداوند درباره اش می فرماید:

﴿ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴾ . پس راست گفت رسول الله ﷺ .

برادرم خلقت انسان همواره به سوی کمی و نقصانی می رود می توان برای صدق این گفته ، قد و هیکل انسان ها را مثال زد ، آدم سی متر هیکل داشته است ، امروزه چی؟ قد معمول آدمیان چه اندازه اس است؟؟ حتی از لحاظ عمر و طول زندگی هم دچار کاستی و نقصان شده ایم خداوند در قران کریم درباره ی قوم ثمود می گوید:

﴿ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴾

یعنی هنگامی که عذاب نازل شد آنان را می دیدی مانند درختان نخل (بلند قامت) و تو خالی بر روی زمین افتاده اند.

و یا در جایی دیگر در وصف گذشتگان می فرماید: ﴿ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴾ . قوم شهر اِرم که صاحب قامتهای بلند ستون مانند ، و ستوندار بودند . کسانی که همسان ایشان باشد در شهرها و کشورها ، آفریده و پیدا نشده است . و با قوم ثمود چه کرده است ؟ همان قومی که صخره های عظیم را در وادی القری می بریدند و می تراشیدند . و با فرعون چه کرده است ؟ فرعونی که داراي میخها(هرم ها) بود .

---

۸ - قال رسول الله ﷺ يدخل أهل الجنة الجنة جرذاً مردأً بيضاً جعاداً مكحلين أبناء ثلاث و ثلاثين وهم على خلق آدم ستون ذراعاً في عرض سبعة أذرع . ( صحيح الترغيب : 3700 ) .

اینها بحث انسان های اولیه است که نه وحشی صفت بودند و نه اینکه گوشت ها رو به خامی میخوردند ، اگر این انسان ها بی عقل و شعور بوده اند پس چرا هنوز که هنوز است هرم های ثلاثه ی مصر جزء بزرگ ترین بناهای ساخت دست بشر است؟؟؟

باید دانست حتی اگر امروز هم درباره ی این امر پرسیده شود که باهوش ترین و باذکاوت ترین؛ عاقل ترین و خوشتیپ ترین فرد در این عالم که بوده است؟؟ بدون شک جواب ، آدم علیه السلام خواهد بود ، مگر از لحاظ عقلی که پیامبر اکرم خاتم الانبیا ﷺ به آدم علیه السلام برسد و از ایشان برتر باشد.

در حدیث داریم در مورد اینکه پیامبر علیه السلام فرمود: «**ان الله خلق آدم علی صورته**». در اینکه مفهوم این حدیث چیست ، میان علماء خلاف نظر است ، اما یکی از معانی آن این است که خداوند آدم را آفرید بدون طی مراحل جنینی و بلوغ و... بلکه هنگام خلقتش او کامل بود و می توانست حرف بزند.

اما در تفسیر مادی ، این سخن گفتن انسان از کجا آمده است؟؟ مادی گرایان می گویند: انسانهای اولیه قادر به سخن گفتن نبودند چیزی از درونشان آنها را به ارتباط اجتماعی سوق می داد و می خواستند آنچه در درونشان است را باهم در ارتباط بگذارند ابتدا با اشاره و بعدها با خلق آواها و نهادهایی به ساخت گفتار پرداخته اند.

در حالی که این تفسیر هم دروغی محض است ، خداوند متعال انسان را آفرید و از همان ابتدا به او سخن گفتن را یاد داد مطابق با این آیه از قران کریم که می فرماید: ﴿ **الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ** 》. در این سوره ( الرحمن ) پس از ایمان و خلقت انسان ، الله متعال میفرماید که به انسان نعمت بیان که بزرگ ترین نعمت پس از ایمان و خلقتش است را عطا کردیم.

بیان چیست؟ هر آنچه را که در ضمیر است برای دیگران گفتن بیان نامیده می شود و هر کس بیانش قوی تر عقلش بیشتر . شیخ الاسلام ابن تیمیه و امام ابن حزم اندلسی رحمهما الله ، در این باره می فرمایند: هر کس بیانش قوی باشد عقلش بیشتر است البته توجه شود بیان قوی به معنای به کار بردن عبارات قلمبه سلمبه نیست ، بلکه بهتر رسانیدن پیام به مخاطبین است .

خداوند متعال در قران کریم می فرماید: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾ .

چرا الله تعالی در اینجا بحث اسماء را پیش می کشد؟ و یا اینکه اصلا بحث اسماء چه ربطی به این قضیه دارد؟

علتش جز این نیست که برای بیان ، نیاز به اسماء است چون زنجیره ی گفتار از اسم و فعل و حرف تشکیل شده و اساس کلام در اینها ، اسم است . اسم است که درباره اش خبری داده می شود ، اسم است که مسند می پذیرد ، و اسم است که صفتی در کنارش می آید و اسم است که فعل بر رویش انجام می پذیرد ، و اگر اسم نباشد کلام و بیان امکان پذیر نیست . اسم در واقع علامت اختصاری صفات و تعریف هایی است که برای یک شی و یا یک شخص به کار می رود ، مثلا به جای اینکه بگوییم آن شخص را می شناسی که قدش کوتاه است و کمی چاق به نظر می رسد و همواره لباس آستین کوتاه می پوشد و ... ، یک دفعه میگوییم احمد را می شناسی؟؟؟

احمد ، اختصاری برای تمامی تعاریف بالاست . ابن عباس رضی الله عنه درباره ی تفسیر این آیه می فرماید: خداوند اسم همه چیز را به آدم آموخت حتی اسم کاسه و کاسک ، اسماء کوچک ( مُصَغَّرٌ ) و بزرگ ( مُكَبَّرٌ ) .

زبان کامل زبانی است که برای همه چیز اسم مخصوص به آن را داشته باشد ، مثلا زبان عربی کامل ترین زبان است زیرا برای هر چیزی تقریباً اسم مخصوص آن چیز را دارد. مثلاً شتر از آن لحظه که به دنیا می آید تا آن لحظه که می میرد نزدیک به 50 اسم برایش به کار برده می شود ، هر اسم برای سن مشخص و شرائط مشخصی .

و بایستی بدانیم که کامل ترین زبان زبان حضرت آدم علیه السلام بوده است. و بسیاری از محققین اعتقاد دارند زبان عربی همان زبان آدم علیه السلام بوده است. ( و این نظر بسیار قوی ای است ).

علاوه بر تفسیر بالا در تفسیر آیه ی ﴿ **وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا** ﴾ ، می توان گفت منظور این است که الله تعالی تمامی اسامی کاینات از روز خلقت زمین تا قیامت را به آدم آموخت ، و یا اینکه نام هر موجودی که در دوران آدم علیه السلام بوده است را به وی آموخت ، و یا نشان دادن اسماء هر آنچه که در دوران آدم بوده ، و دادن توانایی نام گذاری چیزهایی که بعد از آن می آیند.

یعنی حضرت آدم کامل ترین انسان و زبان وی کامل ترین زبان است و او از همان ابتدا با خداوند سخن گفته است. اما حال سوال پیش می آید حوا چگونه آفریده شد ؟؟

در آیات سوره ی نساء خداوند می فرماید: ﴿ **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا** ﴾ .

ای مردمان ! از ( خشم ) پروردگارتان بپرهیزید . پروردگاری که شما را از يك انسان بیافرید و ( سپس ) همسرش را از نوع او آفرید ، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی ( بر روی زمین ) منتشر ساخت . و از ( خشم ) خدائی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می دهید ؛ و بپرهیزید از این که

پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید ( و صله‌ی رحم را نادیده گیرید ) ، زیرا که بیگمان خداوند مراقب شما است ( و کردار و رفتار شما از دیده‌ی او پنهان نمی‌ماند ).

علاوه بر این در صحیح بخاری هم آمده که خداوند متعال ، حوا را از دنده‌های سینه‌ی آدم آفریده است که این دنده‌ها خمیده‌اند و به همین خاطر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید : زنان نوعی کجی در رفتارشان هست و اگر با فشار و زور تلاش در راست کردن زنت داشته باشی او را شکسته‌ای ، پس باید از آنها به اندازه‌ی طبع و سرشت و حوصله‌شان انتظار داشته باشی نه بیشتر.

حال عده‌ای در رد این سختم که گفتیم آدم از همه عاقل تر بود میگویند پس چرا آدم مثلاً لب تاب ساخت؟ چرا موشک ساخت؟؟ در جواب باید گفت چیزهایی که انسان‌ها می‌سازند براساس نیاز هایشان است نیازهای اولیه‌ی آنها خوراک و پوشاک و مسکن بوده ، که آدم علیه السلام آنها را هم داشته است ، حتماً نیازی به موشک و لب تاب و گوشی نداشته است!! که اگر جزء نیازهایش بود حتماً در همان دوره ساخته می‌شد.

و اما یک سوال دیگر آیا آدم مطابق با چیزهایی که امروزه درباره‌ی انسان‌ها می‌گویند برهنه بود؟؟ ﴿ **يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ** ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴾ . ای آدمیزادگان ! ما لباسی برای شما درست کرده‌ایم که عورات شما را می‌پوشاند ، و لباس زینتی را لباس تقوا و ترس از خدا ، بهترین لباس است. این از نشانه‌های خدا است تا بندگان متذکر شوند .

با قدم گذاشتن سیدنا آدم بر روی کره‌ی زمین او اکرام شد یعنی بر او لباس پوشانیدند حتی هنگامی که در بهشت بود هم لباس بر تن داشت حال سؤالی که شاید برای بعضی‌ها پیش بیاید این است که آیا بهشتی که سیدنا آدم در آن بوده همان بهشت برین بود؟؟ یا باغی بود که مکانش یا

در آسمان بود و یا در زمین؟ در این باره بین علما اختلاف نظر وجود دارد بسیاری از علما می گویند : باغی غیر از بهشت بوده که جایگاهش یا در آسمان بود و یا در زمین که این باغ نعمت های فراوانی داشته. و بعضی هم میگویند همان بهشت بوده است. و این دو رای ، هر دو از آراء اهل سنت و جماعت است و هیچ مشکلی نیست که به یکی از این دو رای معتقد باشی. رای دوم ( یعنی باغی غیر از بهشت بوده ) منسوب است به ( سفیان بن عیینه و ابن قتیبه دینوری ) و علاوه بر این ها از ابن عباس هم نقل شده است.

توجه شود فاصله ی بین حضرت آدم و حضرت نوح ده قرن بوده است، بر طبق حدیث صحیح پیامبر ﷺ . در نزد ما هر قرن به معنای صد سال است ولی در نزد عرب هر قرن به معنای یک نسل است. در حدیثی صحیح از رسول الله ﷺ آمده که مردی از ایشان پرسید آیا آدم نبی بود؟ پیامبر فرمود بله و بعد می گوید چه مدت زمانی بین سیدنا آدم و نوح بود؟؟ پیامبر می فرماید ده قرن.

و چون بیان هم کردیم قرن در نزد عرب به معنای نسل است و میدانیم که در آن زمان هر فردی 500 سال هم بیشتر عمر می کرده مشخص نیست دقیقاً این فاصله ی زمانی چند سال بوده است. امروزه مردم می گویند بشر اولیه چیزی نمی فهمیدند ، گفتیم بین آدم و نوح ده قرن بوده است. و کسی که کشتی بدان بزرگی ساخت نوح علیه السلام بود : **﴿ وَحَمَلْنَا عَلَى ذَاتِ الْأَوْحِ وَدُسِّرِ ﴾**. و نوح را بر کشتی ساخته شده از تخته ها و میخها ، سوار کردیم .

و برای ساختن این کشتی از میخ های بزرگ بهره برد. امروز هم بقایای این کشتی بزرگ پیدا شده حال سؤال پیش می آید: نوح علیه السلام در ساخت این کشتی از میخ های بزرگ و تخته الوارها استفاده کرد ، یعنی در زمان ایشان نجاری بوده ، آهنگری هم بوده است ، ده قرن بعد از آدم!! مطمئن باشید لباس هم بوده ، آشپزی هم بوده و... ، چون خداوند آدم را اکرام نمود و بر او لباس

پوشاند حتی حیوان را برای استفاده از گوشتش ذبح می کردند با چاقو!! پس چاقو باشد که دیگر بقیه ی چیزها چون قابلمه و ... هم بوده اند.

این ها همه حق اند و هیچ شکی در آن نیست هر چند ذهن ما پر از دروغ و تصورات اشتباه است، امروزه حتی نظریه ای مطرح است مبنی بر وجود انسان هایی که دارای امکانات و پیشرفت های زیادی بوده اند ، که همگی با طوفان نوح از بین رفته اند ، و بعد از آن دوباره از نو انسان پیشرفتش را آغاز کرد.

ممکن است کسی بپرسد : چه چیزی توسط حضرت آدم علیه السلام ساخته شده است؟ در جوابش می گویم : خوب اختراعات انسان ها مطابق با نیاز هایشان صورت می پذیرد و هر گاه انسان ها احساس کرده اند به چیزی نیاز دارند مورد هدایت الهی قرار گرفته و آن را ساخته اند، و همانطور که مشهور است: « الحاجة أم الاختراع » یعنی حاجت های انسان ها مادر اختراعات اند و این حاجات تعیین کننده ی اختراعات انسان هاست خوب وقتی آدم علیه السلام به چیزی احتیاج نداشته باشد ساختش چه مفهومی می تواند داشته باشد؟؟ اصلاً وقتی نبود چیزی ایجاد نیاز نکند چطور می شود ساختنش به فکر آدمی خطور پیدا کند؟؟

حاجات اولیه شامل خوراک و پوشاک و مسکن بوده است ، حاجات ثانویه ای هم هستند مثلاً توسعه ی شهرها و علاوه بر آن وقوع جنگ و خونریزی میان بنی بشر ، سبب نیاز به سلاح و... بوده است تا ضرر کم تری بینند و آسیب بیشتری به دشمن بزنند ، اینها همان نیاز های ثانویه است ، مثلاً ساخت جلیقه ی ضد گلوله؛ چه کسی اولین بار آن را ساخت؟ در واقع می توان به آن زره جنگی هم گفت؛ ساخت این وسیله و اختراع آن ، کار حضرت داوود علیه السلام بود همان طور که در قران کریم در سوره ی انبیاء هم آمده که ﴿ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ

فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿. و بدو ساختن زره را آموختیم تا ( این لباس جنگی ) شما را در جنگها حفظ

کند . آیا ( خدا را در برابر همهی این نعمتها ) سپاسگزاری می کنید ؟

در واقع انسان حاجتی داشته باشد با هدایت خداوند رفعتش می کند.

﴿ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴾

براستیکه ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم.



والسلام علیکم ورحمة الله.

« پایان ».